

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

* در میان مردم و خانواده زندانیان از ۵۰۰۰ کشته صحبت می شود

این فاجعه ملی، در میان مردم و خانواده زندانیان سیاسی از ۵۰۰۰ کشته صحبت میشود.

کشتار در همه جا

همه جا هزاداری است. در هر شهر و هر کوچه ای سوگواری برپاست. در خانه های خانواده های زندانیان سیاسی غلغله است. بقیه در صفحه ۲

که هنوز حیرت بر دیگر احساسات چیره است. شمار زندانیانی که به قتل رسیده اند، هنوز به دقت روشن نیست. اما همه خبرها، و گزارش ها حاکی است که این شمار بسیار فراتر از برآوردهای پیشین است. تا اواخر هفته گذشته رقم کشته شدگان در حدود ۱۵۰۰ تن ارزیابی می شد. اما اینک بدنبال آشکار تر شدن نشانه های

فاجعه ملی
تراژدی به تمامی تکوین یافته و کشتار زندانیان سیاسی به چنان حدی رسیده است که اینک دیگر به جز فاجعه ملی نام دیگری نمی توان بر آن نهاد. اکنون در بعضی از زندانها تنها عده انگشت شماری باقی مانده اند. فاجعه ای که رخ داده است، چنان ابعادی باور نکردنی دارد



چهارشنبه ۱۳۶۷ برابر ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸
بها ۲۰ ریال سال پنجم

من همیشه ام، برادر خوبم...

نه آنکه فکر کنی سرداست که من در تهاجم کولاک یکجا تمام همیشه های جهان را ابتیار کرده ام، در پشت خانم و در تفریک باغ آتشم به تنهایی من همیشه ام برادر خوبم بشکن مرا، برای اجاق سرداقت آتشم بزن من همیشه ام برادر خوبم (خسرو گلرخی)

آری، ایان همیشه اند، می سوزند تا بسوزانند. حرارتشان را در همه جا احساس می کنیم. در جان و تمان. و در جای جای میهن در خون نشسته ایم. آتشی دامن گسترند. برمی آیند و برمی دهند. خورشید آزادی از دل این آتش سر برمی کشد. و این آتش، این همیشه هایی که می سوزند، همه بر رزم خلق اشارت دارند و مراسم دشمن. بر این کشتار این گونه بنگر و تنها این گونه.

نه آنکه فکر کنی سرداست اما چه اندوهی! چه سترگ اندوهی! هر خبری اشاره به کشتار جمع دیگری از فرزندان خلق دارد. او نیز؟ آری و نیز... دیگر که؟ ... هر آن کس که می شناسی... پس که ماند؟ کسی نمیداند؟ ... همچنان می کشند... همه جاننگ هزادارد. بگذار این اندوه بر جانمان نشیند! بگذار قلبمان را بفشرد و سرشک از دیده مان سرازیر سازد. ای تمامی موافق، ای تمامی احساسات، ای قلبهای پردرد، ای وجدانهای بیدار! او برادر من بود، خواهر من، همسر من، شوی من، فرزند من، مادر من، پدر من، یار من، رفیق من، بقیه در صفحه ۵

در صفحات دیگر می خوانید:

بر روی فرشی از خون
قراردادی بندند

در صفحه ۶

پرسش انگشتش را راه
شهری از هوا سایه

در صفحه ۵

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی بپا خیزیم!

در صفحه ۳

وظیفه چیست؟

در صفحه ۶

در این مقاله می خوانید:

دوستان! همزمان و هم میهنان زمان را دریابیم. دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستتان برمی آید، انجام دهید." هر روز دهها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای انشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
کشتار همگانی
زندانیان سیاسی ایران
یک فاجعه عظیم بشری است
در صفحه ۴

به ضمیمه:

فهرست اسامی گروهی از قربانیان
کشتار جمعی زندانیان سیاسی

چنین کشتاری در جهان کم نظیر است

بی قانونی است.

دیگر حتی سخن بر سر محاکمات ناعادلانه نیست، سخن حتی بر سر آن نیست که کسی را بی محاکمه سال هادر زندان نگه داشته اند. کسانی را که خودشان به دو سال، ده سال یا بیست سال اسارت محکوم کرده بودند، در برابر جوخه اعدام نهادند. اگر دستگیری جبارانه، اگر محاکمه ناعادلانه نامش نقض حقوق بشر باشد، پس این جنایت را چه باید نام نهاد؟ این طفلان علیه بشریت است. مطلق نابخصی است؛ مطلق

کشتار زندانیان سیاسی در این ابعاد در جهان کم نظیر است. به جنایات نازیهای ماند که در ماههای آخر حیات تنگین خویش در زندانها وارد نگاهها، آدمکشی را از حدی که خود برای آن قائل بودند، فراتر بردند. پینوشه جلاد نیز نتوانست مثل خمینی کشتار کند، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نیز، در تبلیغات بین المللی باید بروی کم سابقه بودن کشتارهایی

نظیر قتل عام جاری در زندان های سیاسی ایران، تاکید خاصی داشت. باید به همگان گفت: دریابید ایران را! باید گفت: ای جهانیان! در چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر خمینی چنان جنایتی علیه بشریت رواج داشت که آن را نمی توان با هیچ واژه ای توصیف کرد.

دریابید ایران را! در اینجا حمام خون به راه انداخته اند، در اینجا بشریت را سر می برند.

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

بقیه از صفحه اول تک تک آنها خبر داده اند که چه بر سر عزیزشان آورده اند. دژخیمان که تا همین چندی پیش از دادن هر اطلاع معینی ابا می کردند، اکنون خود به بسیاری از خانواده ها خبر می دهند که بیایند و باقیمانده وسایل زندانی را تحویل بگیرند. برخی دیگر از خانواده ها پس از مراجعه به زندان، نام فرزند خود را در لیست بالابندی یافته اند که توسط دژخیمان با نام شهدای کشتار اخیر تنظیم شده است. به آنان که نام فرزندشان در این لیست یافته نشود، گفته می شود که برگردند و در تاریخ معین دیگری برای دریافت خبر و پس گرفتن وسایل بازگردند.

کشتار زندانیان سیاسی سرتاسری بوده است. هیچ شهری نیست که از این کشتار برکنار مانده باشد. در هر زندانی که در آن زندانی سیاسی وجود داشت، کشتار صورت گرفته است.

تازه ای ابلغ نشده بود. دژخیمان با مراجعه به اتاق های زندان ها، به تناوب زندانیان را دسته دسته بیرون کشیدند، سوار کامیون کردند و به میدان تیر بردند. بسیاری از اعدام شدگان سال های درازی زندانی بودند. در میان آنان کسانی یافت می شوند که از سال ۱۳۵۸ به بند کشیده شده بودند. برخی نیز به تازگی دستگیر شده و حتی مرحله بازجویی را نیز به تمامی طی نکرده بودند. عده ای از اعدام شدگان کسانی بودند که پیشتر محاکمه شده و به حبس های مختلف المهدتی محکوم شده بودند. از مدت محکومیت بسیاری از آنان مدت ها سپری شده بود و بسیار پیشتر می بایست آزاد میشدند.

اشکال مختلف کشتار زندانیان

کشتار زندانیان به اشکال مختلفی انجام شده است. بیشترین آنها به جوخه اعدام سپرده شدند. علاوه بر این در زندان اوین چندصد تن از زندانیان در سالنی قتل هم شدند که پیش از کشته شدن بدانجا، بمب گذاری شده بود. پس از گردآوردن زندانیان در این سالن، بمب ها را منفجر کرده و همگی را به قتل رساندند. گفته می شود یک گور

جمعی بزرگ که در گورستان خاوران با بتون پوشانده شده است، از آن این دسته از زندانیان است.

دسته ای دیگر از زندانیان را بر چوبه های داری که در ملاء هام در شهرهای کشور برپا کردند، حلق آویز ساختند. اجساد این قربانیان تا چندی بر چوبه های دار آویزان ماند. اعدام ها در شهر آمل و چند شهر در جنوب کشور بدین صورت صورت گرفت.

هم چنین شنیده شد که در مواردی به جای اعدام در میدان تیر، زندانیان را در داخل بند زندان به رگبار بستند. ۱۸۰ تن از زندانیان زندان اصغمان به این ترتیب کشته شدند؛ پاسداران مسلسل بدست به داخل بند ریختند و به سوی زندانیانی که دیگر دست از جان شسته و اهتصاب غذا کرده بودند، آتش گشودند.

گسترده گی کشتار باور نکردنی است

کشتار زندانیان سیاسی چنان دامنه ای دارد که باور نکردنی است، بی سابقه است، حیرت انگیز است. ذکر نمونه هایی می تواند گویا باشد:

در زندان شهر ارومیه ۴۰۰ زندانی سیاسی را به قتل رساندند. در شهر کوچک گچساران ۸۰ زندانی سیاسی اعدام شده اند. در استان گیلان تنها از منطقه خمام ۱۱ نفر کشته شدند. در زندان کرمان بدنبال کشتار، جز نگرانی معهود، دیگر کسی باقی نمانده است. از همه شهرهای کشور خبرهایی با همین گستردگی می رسد.

رذالتی فراتر از حدومرز

دژخیمان از تحویل اجساد کشته شدگان به خانواده هایشان سرباز می زنند. در بیشتر موارد از گور آنان نیز هیچ نشانی نمی دهند. اما در مواردی در برخی از شهرستان ها، اجساد شهدا را به خانواده هایشان تحویل داده اند. در این موارد هم تحویل اجساد پس از اخذ مبالغی پول از خانواده ها صورت گرفت. در یکی از این موارد که در شهر گچساران اتفاق افتاد دژخیمان دراز از تحویل هر جسد علاوه بر ۷۰۰ هزار ریال وجه نقد یک جعبه شیرینی به نشانه شادمانی مطالبه کردند. در برابر

امتناع خانواده ها از دادن شیرینی آنها را مجبور به پرداخت ۹۰۰ هزار ریال نمودند!

برای باقیمانده زندانیان، ممنوعیت ملاقات ادامه دارد

در بیشتر زندان های کشور برای باقیمانده زندانیان سیاسی ملاقات با خانواده ها همچنان ممنوع است. در طی چند هفته اخیر تنها در زندان های معدودی خانواده ها موفق به دیدن بستگان زندانی شان شده اند که از جمله این موارد در زندان های کارون اهواز و گهر دشت کرج بوده است. زندانیانی که در این دو زندان به دیدار اعضای خانواده شان موفق گردیدند، اجازه گفتگو نداشتند. همه آنها تکیده ورنجور بودند.

همبستگی ژرف تر با خانواده های زندانیان سیاسی

رویداد معیبه کشتار عمومی زندانیان برخلاف انتظار رژیم رعب را افزایش نداده است. در روزهای اخیر همبستگی خانواده های زندانیان ژرف تر شده و اشکال ابراز همبستگی مردم با آنان ارتقا یافته است. خانواده های زندانیان چه آنان که خبر مرگ عزیزانشان را شنیده اند و چه آنها که هنوز بی خبر مانده اند، گروه گروه گرد می آیند، از خانه این شهید به منزل آن دیگری می روند؛ هر یک از آنان با گل سرخی برسینه، برای باز داشتن خانواده ها از برپایی مراسم یادبود، در تهران در مواردی پیش از تحویل وسایل آنان را وادار ساختند سند یک خانه را به گروه در زندانبانان بگذارند. دژخیمان به خانواده ها اخطار کردند که در صورت برپایی مراسم یادبود، خانه ضبط خواهد شد. اما به رغم این تهدید، یادواره زندانیان در همه جا برگزار و به صحنه ابراز همیق ترین انزجار نسبت به رژیم سفاک خمینی تبدیل گردید. دو خبر حاکی است که در گورستان خاوران تهران و

گورستانی در تبریز، از سوی خانواده ها تجمعی صورت گرفت که حاضرین با دادن شعارهای کوبنده علیه خمینی جلاد، این تجمع را به میتینگ علیه رژیم بدل کردند. حیرتی که با انتشار اخبار این جنایات باور نکردنی پدید آمده بود، اکنون هر چه بیشتر به انزجار جاری ژرف بدل می شود.

دستگیری های تازه

همزمان با کشتار زندانیان، گزافه های ساواک نیز به راه افتاده و دور تازه ای از دستگیری جمعی را آغاز کرده اند. بنا به یک خبر در وزارت اطلاعات اسامی زندانیان سیاسی در رژیم شاه و نیز کسانی که در رژیم جمهوری اسلامی سابقه دستگیری داشته اند

و هم چنین تمام کسانی که اشتها به هواداری از سازمان های اپوزیسیون داشته و یا مظنون به انجام فعالیت های علیه رژیم هستند، طبقه بندی شده و دستگیری سیستماتیک آنان شروع شده است. از دستگیرهای تازه در سه هفته اخیر، خبرهای معینی از تهران و شهرهای استان های گیلان و آذربایجان رسیده است. علاوه بر این در تهران کنترل خیابانی افزایش کم سابقه ای یافته است و عده ای از رهگذران توسط اکیپ های گشت دستگیر شده اند.

کشتار ادامه دارد

خبرهایی که در لحظه تنظیم این گزارش بدست ما رسیده است حاکی است که کشتار بقیه زندانیان ادامه دارد. مطابق این اخبار تنی چند از کسانی که در هفته گذشته با اعضای خانواده شان ملاقات داشته اند، در این هفته تیرباران شدند و خبر مرگ آنان به بستگان شان داده شد. جان باقیمانده زندانیان سیاسی را هرگز تهدید می کند. هر روز که می گذرد، عده بیشتری کشته می شوند. برای نجات جان آنان هیچ لحظه و هیچ امکانی را نباید از دست داد.

کوچه ها، لبریز از تابو تهاست
هر نفس، مویذ زاندو هی زنی
ناید از آن دو ستاق کین به گوش
غیر آهی جانگداز و شیونی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

عليه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی پياخيزيم!

فقيه بافرو دبر پیکر سازمان های ماقوت می گیرد . دشمن با قربانی گرفتن از صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ، حزب توده ایران ، سازمان فدائیان خلق ایران (پیروان بیانیه ۶۱ آذر) ، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر) ، سازمان مجاهدین خلق ایران ، و دیگر احزاب و سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور ، حاکمیت جابرانه خود را تحکیم می بخشد . در برابر رژیم ولایت فقیه که با سرکوب ددمنشانه همه ما موجودیت ابلیسی خود را پاسداری می کند ، بر ماست که درفش یگانه ای برافرازیم و رزم مشترک و یکپارچه ای بیاکنیم . رزم مشترک ، مطالبه مردم ماست !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بار دیگر همه سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور ، همه شخصیت های آزادیخواه و صلح دوست میهن را به بسط همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه وسیع در راه دستیابی به آماج های مشترک فرامی خواند .

ما همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور را دعوت می کنیم تا علیه جنایات رژیم خمینی دست در دست یکدیگر به اعتراض پياخيزيم و از جان زندانیان سیاسی کشور دفاع نمائیم .

مردم و نیروهای ترقیخواه جهان !

رژیم خمینی به تبهکاری ها و جنایت آفرینی های خود در میهن مصیبت دیده ما ابعاد فاجعه باری داده است . اکنون این رژیم با فراغت از جنگ ۸ ساله ایران و عراق که میهن ما را به ویرانی کشاند و از مردم ایران و عراق میلیون ها کشته و معلول قربانی گرفت ، جنگی دیگر ، یک جنگ خانگی را علیه مردم و نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است .

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ضمن آنکه بار دیگر از پشتیبانی ثمربخشان از مبارزات صلح خواهانه مردم ما در پایان بخشیدن به فاجعه جنگ ایران و عراق صمیمانه قدرشناسی به عمل می آورد ، از مردم و همه نیروهای ترقیخواه و بشردوست جهان ، از احزاب انقلابی و دموکراتیک همه کشورها می طلبد که به منظور متوقف ساختن جنگ خونبار تازه ای که رژیم خمینی علیه مردم و نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است به اعتراض پياخيزند .

مردم جهان ! مجامع بین المللی ترقیخواه !

رژیم خمینی دشمن مردم ما ، دشمن زندگی توام با صلح و امنیت ، دشمن آزادی و ناقض ابتدایی ترین اصول منشور حقوق بشر است . اجازه ندهید که در زندان های جمهوری اسلامی کشتار نیروهای صلح دوست و آزادیخواه ایران ادامه یابد .

جنایات رژیم خمینی را محکوم سازید و علیه تبهکاری های آن به اعتراض پياخيزید !

ما از شما در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران استمداد می طلبیم .

نگ و نفرین بر تبهکاری های رژیم ولایت فقیه !

درو آتشین به زندانیان سیاسی !

افتخار جاودان به شهدای خلق !

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی !

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

۸ آذر ماه ۶۷

جمهوری اسلامی با قتل عام زندانیان سیاسی ایران حمام خون پیا کرده است . طی روزهای اخیر شمار بزرگی از زندانیان سیاسی در زندان های تهران ، اصفهان ، کرمان ، خرم آباد ، گیلان ، مازندران ، همدان و اهواز ... به جوخه های اعدام سپرده شده اند . برخی شواهد حاکی از شکار زندانیان سابق رژیم خمینی است . تبهکاری های رژیم خمینی دارای چنان ابعاد هولناکی است که قربانیان در گورهای جمعی به خاک سپرده می شوند . بر این جنایات جز فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران نام دیگری نمی توان نهاد .

این جنایات بیانگر دشمنی پایان ناپذیر رژیم ولایت فقیه با نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور ، با صلح و آزادی ، سعادت و بهروزی مردم و حقوق بشر است .

مردم آزاده ایران !

کشتار بهترین فرزندان شما در زندانهای رژیم خمینی ، یک بار دیگر چهره ضد مردمی و ضد بشری این رژیم خونخوار را با تمام کراهت و خشونت حیوانی آن به نمایش گذاشته است . جرم کسانی که این چنین وحشیانه در قتل گاه های رژیم خونبار خمینی سلاخی می شوند ، این است که در راه تحقق اهداف ترقیخواهانه انقلاب مردم ایران مبارزه کردند و همچنان از اهداف و آرمان مردمی شان به دفاع ایستادند .

آنها را به این دلیل به جوخه اعدام سپردند که مبارزان راه صلح و آزادی ، استقلال و عدالت ، بهروزی و سعادت مردم و میهن خود بوده اند . کشتار عام زندانیان سیاسی بیانگر دشمنی رژیم خمینی با اهداف ترقیخواهانه و خواستهای حق طلبانه شماست .

رژیم نیز می داند که آینده از آن مردم و رهروان صدیق راه و آرمان مردم است . از این رو با توسل به حربه سرکوب و ترور از یکسو ، جنبش انقلابی مردم ایران را از فعالین و کادرهای باتجربه محروم می کند و از سوی دیگر با پراکندن موج رعب و وحشت می کوشد در راه گسترش دامنه مبارزات مردم مانع بیافریند و ثمربخشی مبارزاتشان را به تاخیر اندازد . رژیم خمینی حیات ددمنشانه خود را با مکیدن خون بهترین فرزندان شما تداوم می بخشد . علیه این جنایات به اعتراض پياخيزید . تنها راه متوقف ساختن تبهکاری های رژیم ، حضور رزمجویانه شما در صحنه های نبرد است . به دفاع از جان زندانیان سیاسی پياخيزید و اجازه ندهید بهترین فرزندان شما در پشت دیوارهای بلند زندان های جمهوری اسلامی بدست خمینی جلاد و دژخیمان حلقه به گوش آن سربه نیست شوند .

نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران !

تبهکاری های اخیر نیز تأییدکننده آنند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن مشترک همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک میهن است و بر این واقعیت گواهی می دهند که مبارزه در راه سرتنگونی این رژیم تنها راه دستیابی به آزادی و تضمین صلح در کشور می باشد . ترور و سرکوب لجام گسیخته رژیم فقط از جمله با بهره گیری از ضعف و پراکندگی سازمان های انقلابی و دموکراتیک ، سلطه سیاه و نکبتبار خود را گسترده است . در پس تبهکاری ها و جنایت آفرینی هایی که شاهدیم ، ضرورت تحکیم صفوف سازمان های ما و اتحاد عمل رزمجویانه همه سازمان ها و شخصیت های انقلابی و دموکراتیک کشور قطع نظر از تفاوت های مسلکی و اختلافات سیاسی شان - با وضوح تمام نمایان شده و ما را به پاسخگویی بلادرنگ فرامی خواند .

مردم ما با خشم و نفرت شاهد آنند که ساطور خونچکان رژیم ولایت

جاودان باد خاطرۀ شهیدان به خون خفته خلق !

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، یک فاجعه عظیم بشری است

شهر ارومیه ۲۰۰ نفر تیرباران شده اند. این رقم تا ۴۰۰ نفر نیز ذکر شده است. در زندان اوین تهران بیشترین تعداد کشتار صورت گرفته است. در این زندان علاوه بر تیرباران هر روزه گروه گروه زندانیان سیاسی، در یک اقدام جنایتکارانه جمع کثیری از زندانیان سیاسی را در یک سالن مجتمع ساخته و بوسیله انفجار بمب و تخریب سالن آنها را به قتل رسانده اند.

مامورین جنایتکار حکومت فقاها از آنجا که در قتل هم زندانیان سیاسی ایجاد رعب و وحشت در مردم را نیز در نظر دارند، همه جا در برخورد با خانواده های زندانیان سیاسی هلنا و رسما هدف خود دایر بر کشتار همگی زندانیان سیاسی را ابراز می دارند.

موج دستگیری های جدید نیز افزایش یافته است و برخی از کسانی که قبلاً زندانی سیاسی بوده اند نیز مجدداً بازداشت شده اند. داس مرگ در خارج از زندان نیز بر فراز سر زندانیان رها شده از بند خمینی در حرکت است.

آنچه که در هفته های اخیر در زندان های کشور ما گذشته است و هم اکنون نیز در جریان است در تاریخ چنددهه اخیر جهان کم سابقه است.

چنین جنایت عظیمی را عکس العملی در خور لازم است. ما همه نیروهای دموکراتیک جهان، همه رسانه های گروهی بین المللی، همه شخصیت ها و سازمان های مدافع حقوق بشر را به مقابله با این طغیان رژیم خمینی علیه بشریت و حقوق بشر، و به تلاش برای نجات جان باقیمانده زندانیان سیاسی ایران فرامی خوانیم.

نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در اروپا

۱۹۸۸/۱۱/۳۰

قتل هم زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جنایتکار خمینی که از چندی پیش آغاز شده بود، در دو هفته اخیر در تداوم خود همچنان ابعادی یافته است که سخن از نابودی همگی زندانیان سیاسی در ایران است. آخرین خبرهای دریافتی ابعادی باور نکردنی از کشتار زندانیان تصویر می کند. شمار زندانیان اعدام شده طی هفته های اخیر از زندان های مختلف کشور به چند هزار نفر می رسد. به علت اینکه هنوز رژیم خمینی از دادن خبر اعدام به بسیاری از خانواده های زندانیان سر باز می زند و نیز به علت تداوم کشتار و تدریج شمار قربانیان این کشتار و اعلام اسامی همگی آنها مقدور نیست. لیست اسامی عده ای از قربانیان این کشتار که تا این لحظه بدست ما رسیده است ضمیمه است که تکمیل و تدریج آن بخاطر گستردگی کشتار محتاج زمان بیشتری است. کشتاری این همه گسترده که مشابه آن تنها در اردوگاه های مرگ فاشیسم هیتلری دیده شده است، یک فاجعه عظیم بشری محسوب می شود. هر محله و هر کوچه در ایران هزاران یک یا چند زندانی در خون تپیده است.

کشتار جمعی زندانیان سیاسی در زندان های تهران، اصفهان، کرمان، خرم آباد، گیلان، مازندران، همدان، اهواز، گچساران، ارومیه، تبریز و زندان های چندین شهر و منطقه دیگر ایران صورت گرفته است. این اعدام ها به اشکال متفاوت صورت گرفته است. اکثر آنان تیرباران شده و در گورهای جمعی دفن شده اند. در دو گور جمعی گورستان خاوران ۳۰۰ زندانی سیاسی دفن شده اند. خبرها حاکی از شناخته شدن چند گورستان مخفی است. در شهر آمل تعدادی از زندانیان سیاسی را در مرکز شهر به دار آویخته اند. در زندان اصفهان ۸۰ نفر از زندانیان سیاسی که در حالت اعتصاب غذا بسر می برده اند، توسط مامورین سپاه پاسداران و کمیته های انقلاب اسلامی به رگبار بسته شده و کشته شده اند. در خبر دیگری رقم کشته شدگان زندان اصفهان ۱۵۰ نفر ذکر شده است. در

فهرست اسامی گروهی از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

- | | | |
|------------------------------|------------------------|---------------------------------|
| ۱- آتیک | ۲۸- محمد حاتمی | ۷۹- سیامک قلم بر |
| ۲- رحیم آیت الله زاده شیرازی | ۲۹- هدایت حاتمی | ۸۰- بهمن قنبری |
| ۳- مسعود داخگر | ۳۰- عباس حجری | ۸۱- سعید کاظمی |
| ۴- اشرف احمدی | ۳۱- مهدی حسینی پاک | ۸۲- هوشنگ کامرانی میهنی |
| ۵- سر هنگ ابوالقاسم افرازی | ۳۲- حمید حقی منیع | ۸۳- دکتر گرگانی |
| ۶- ناصر الماسیان | ۳۳- شافی حسین پور | ۸۴- سعید متین |
| ۷- حسین اقدامی | ۳۴- رحیم حسین پور | ۸۵- مجتبی محسنی |
| ۸- پرویز الهی | ۳۵- علی نقی حیدریان | ۸۶- نعت محمدزاده |
| ۹- ابوتراب باقرزاده | ۳۶- کریم حیدر نژاد | ۸۷- صابر محمدزاده |
| ۱۰- عبدالعظیم باقری | ۳۷- ظفر حیدری | ۸۸- مجتبی مطلع سرابی |
| ۱۱- بخت آبادی | ۳۸- ابوالحسن خطیب | ۸۹- حمید منتظری |
| ۱۲- دکتر فریبرز بقایی | ۳۹- علی اکبر خطیب | ۹۰- مهر داد مطلق |
| ۱۳- جنوچر بهزادی | ۴۰- خطیبی | ۹۱- فرج الله میزانی (جوانشیر) |
| ۱۴- سیامک بهزادی | ۴۱- فرزاد دادگر | ۹۲- ضامرادیان |
| ۱۵- محمود دبه کیش | ۴۲- دکتر احمد دانش | ۹۳- میر شکاری |
| ۱۶- حسین بیگدلی | ۴۳- اسدالله داریک بندی | ۹۴- میرزایی |
| ۱۷- ناخدا محسن بیدگلی | ۴۴- محمد دریاباری | ۹۵- حسن نصاری |
| ۱۸- مهر داد پناهی شبستری | ۴۵- اسماحیل ذوالقدر | ۹۶- امیر هوشنگ ناظمی (نیک آئین) |
| ۱۹- اسماحیل پور محمدی | ۴۶- محمد رجالی | ۹۷- بیژن نعمان پور |
| ۲۰- اسدالله پنجه شاهی | ۴۷- حقیقیان رودسی | ۹۸- ناصر نوروزی |
| ۲۱- حمید تاج الدینی | ۴۸- جعفر ریاحی | ۹۹- جعفر هوشمند |
| ۲۲- علیرضا تشید | ۴۹- محمد ریاحی | ۱۰۰- محمود هوشی |
| ۲۳- احمد ثقلینی | ۵۰- آصف رزم دیده | ۱۰۱- کاظم همدانیان |
| ۲۴- دکتر جاوید پور | ۵۱- تیمور راوندی | ۱۰۲- داریوش یوسفی |
| ۲۵- سیف الله جاوید فر | ۵۲- روشن زاده | ۱۰۳- ... |
| ۲۶- حسین جلالی | ۵۳- محمد رضا رجالی فر | |
| ۲۷- حسین جودت | | |
| | | ۵۴- سیدرو فنی |
| | | ۵۵- عزت الله زارع |
| | | ۵۶- علی زمر دیان |
| | | ۵۷- حسین سیاه قلم |
| | | ۵۸- سروان شفیق پور |
| | | ۵۹- مجید شمس آباد |
| | | ۶۰- حسین شهیدی |
| | | ۶۱- رحیم شمس |
| | | ۶۲- اکبر صادقی بناب |
| | | ۶۳- فریبرز صالحی |
| | | ۶۴- عبدالعظیم صبوری |
| | | ۶۵- حسین صدراپی |
| | | ۶۶- علی صدراپی |
| | | ۶۷- حسن صداقت پور |
| | | ۶۸- حسین صراف پور |
| | | ۶۹- ناصر عطایی |
| | | ۷۰- سیف الله فیاضوند |
| | | ۷۱- مهر داد فرجاد آزاد |
| | | ۷۲- فنایی فر |
| | | ۷۳- رضا فیاض پور |
| | | ۷۴- حسین قاسم نژاد |
| | | ۷۵- حسین قلم بر |
| | | ۷۶- داوود قریشی |
| | | ۷۷- زهره قائنی |
| | | ۷۸- ساسان قندی |

من همیشه ام، برادر خوبم...

بقیه از صفحه اول

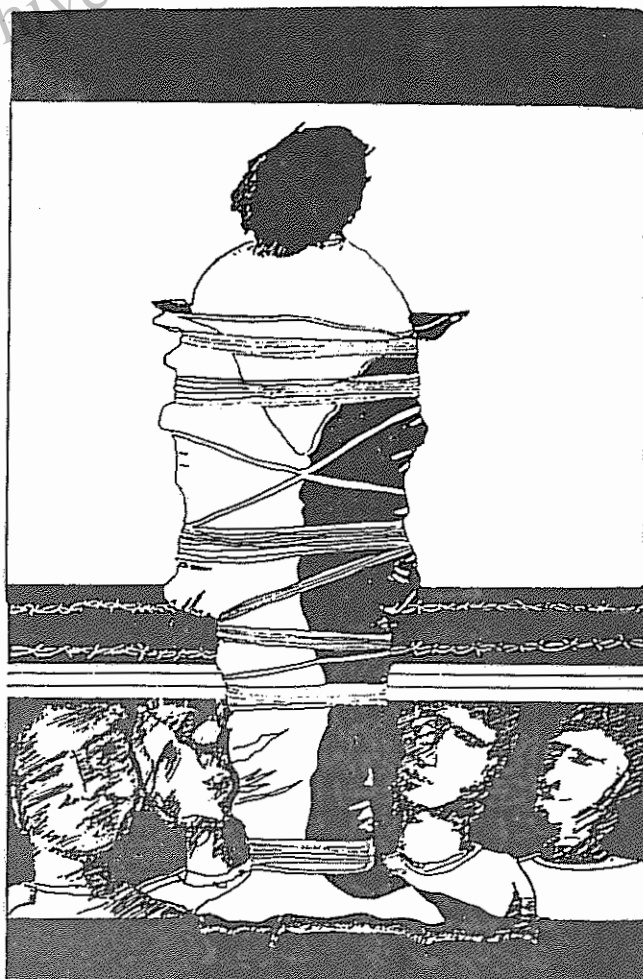
مهرزمن من نه یکی که
ده تن و نه ده که صد و
نه صد که هزار.
بگذار این درد استخوانمان را
بسوزاند! اگر در جهان چیزی
مقدس است این اندوه است و
کینه‌ای که از آن سر برمی‌کشد.
آری هر همیشه‌ای که می‌سوزد، یک
باغ آتش است. روشن کن تو نیز
اتاقت را روشن کن! همه روشن
کنیم اجاق سرد اتاتمان را. اگر
فروزان است، فروزان ترش
کنیم. می‌بینی؟ می‌بینی؟ نه آنکه
فکر کنی سرد است. همه جا آتش
است. خاوران گر گرفته است.
اوین منقصر می‌شود. گوهر دشت
دشتی شعله‌ور است. برگیر از این
آتش! برتلبت نه! آگاهیست را
فروزان کن. و فریاد بزنی که به
جنگ آمده‌ام ای ظلمت مخوف! ای
ممه تاریکی‌های اعصار و ترون!
به محاکمات می‌کشم! برای
فرزندی که بی‌پدر

شد به محاکمات می‌کشم!
برای مادری که داغ بردلش نهادی.
به محاکمات می‌کشم!
به خاطر هر شلاق که بر پیکر رفیق
مهرزمنی نشست.
به محاکمات می‌کشم!
به خاطر گرسنگی‌ام، در بدری‌ام،
و سستی که بر این توده رنج
روامی‌داری.
و حالیا حرکت! در تعاجم
کولاک، تمام همیشه‌های جهان در
پشت خانه‌ما انبار است. در انتظار
چیستی؟ همیشه‌ها می‌سوزند،
گرمی‌گیرند و می‌سوزانند.
بیو ندیم بدین آتش. تابوتها را
بر فراز دستها بگیریم. بنگرید
جهانیان! این سهم ماست برای
آنکه در جهان آزادی دامن گستر
شود. این سهم ماست. اجزش
دارید افتخار ماست. هزت و شرف
ماست. شما نیز گرمی‌اش دارید.
از رزم ما پشتیبانی کنید. به دفاع از
جان زندانیان سیاسی ایران
یرخیزید. □

برسواد سنگفرش راه

با تمام خشم خویش،
با تمام نفرت دیوانه‌وار خویش،
می‌کشم فریاد:
ای جلادا
تنگت باد!
آه، هنگامی که يك انسان
می‌کشد انسان دیگر را
می‌کشد در خویشتن
انسان بودن راه
بشنو ای جلادا!
می‌رسد آخر
روز دیگرگون:
روز کیفر،
روز کین‌خواهی،
روز بار آوردن این شوره‌زار خون.
زیر این باران خونین
سبز خواهد گشت بذر کین.
وین کویر خشک
بارور خواهد شد از گل‌های نفرین.
آه، هنگامی که خون از خشم سرکش
در تنور قلبها می‌گیرد آتش،
برق سرنیزه چه ناچیز است!
و خروش خلق،
هنگامی که می‌پیچد
چون ملین رعد از آفاق تا آفاق
چه دلایز است!
بشنو، ای جلادا!
می‌خروشد خشم در شیپور،
می‌کوبد غضب بر طبل
هر طرف سرمی‌کشد عصیان
و درون پستر خونین خشم خلق
زاده می‌شود طوفان.
بشنو، ای جلادا!
و مپوشان چهره با دستان خون‌آلود!
می‌شناسندت به صد نقش و نشان مردم.
می‌درخشند زیر برق چکمه‌های تو
لکه‌های خون دامنگیر.
و به‌کوه و دشت پیچیدست
نام‌تنگین تو با هر «مرده‌باد» خلق کیفرخواه.
و به‌جا ماندست از خون شهیدان
برسواد سنگفرش راه
نقش يك فریاد:
ای جلادا!
تنگت باد!

هوا، سایه



وظیفه چیست؟

دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران، افشای جنایات رژیم خمینی در زندان ها، بازتاب دادن مقاومت انقلابیون اسیر و رزم آنها در دشوارترین شرایط و جلب توجه جهانیان به آنچه که در زندان های سیاسی کشور بلا دیده ایران می گذرد پای ثابت مبارزات ما در خارج از کشور است. این مبارزه باوقه جریان داشته و در افشای تبعیض های رژیم خمینی تاکنون با دستاوردهای گرانقدری همراه بوده است. همچنان باید بر شتاب این مبارزه بیغزاییم، و خاصه در این روزها، در این روزها که رژیم در زندان ها دست به قتل-عام زده است.

وظیفه ما انشای هر چه قویتر و هر چه سریعتر این جنایت بزرگ است. وظیفه ما آن است که تلاش ورزیم جهانیان دریابند در ایران چه فاجعه عظیمی صورت گرفته است. وظیفه ما فراخواندن جهانیان به دفاع از جان زندانیان سیاسی است.

هر چه متحدتر باشیم، حرکاتمان قویتر، پدافندتر و پربازتابتر خواهد بود. مطلقاً پذیرفتنی نیست که اختلافات مانع اتحاد عمل سازمان های سیاسی برای افشای وسیع جنایات رژیم در زندان ها شود. ما به سعم خود به هر فراخوانی در دفاع از جان زندانیان سیاسی پاسخ مثبت می دهیم و با تمام وجود از هر حرکتی که در این زمینه صورت گیرد پشتیبانی می کنیم.

در شرایط کنونی که کشتار زندانیان در سطحی کیفی متفاوت از گذشته صورت می گیرد، نمی توان به اشکال متعارف انشائی و اشکال رایج و عادی جلب توجه افکار عمومی جهانیان، بسنده کرد. اشکال متعارف - جمع آوری امضاء، برگزاری تظاهرات، اعتصاب غذا و نظایر اینها را باید بکار گرفت، اما باید در اندیشه ابتکاراتی پربازتابتر بود. در این زمینه ابتکار عمل بخود فعالین سپرده می شود که با تحلیل دقیق و بررسی امکانات مختلف، نیکوترین آنها را انتخاب کنند. برای هر حرکتی باید تدارک کافی دید و بویژه نسبت به تضمین داشتن بازتاب وسیع و مثبت آن در رسانه های گروهی مطمئن بود.

باید هر چه سریع تر دست به عمل زد. طرحهای پیچیده ممکن است کارآ باشند، اما به دلیل طولانی بودن پروسه تدارک آنها امروزه بکار ما نیابند و برای نجات جان باقیمانده زندانیان موثر نشوند. ابتکارات مختلف، آلت راتیبو یکدیگر نیستند. نباید گفت یا آن یا این. اغلب میتوان همزمان چند حرکت را باهم پیش برد و آنها را مکمل یکدیگر کرد. باید حرکت های مختلفی را سازمان داد، تا از جمله طیف هر چه وسیعتری از ایرانیان در خارج از کشور، در آنها شرکت جویند.

۱۰ دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. برای این روز باید تدارک ویژه ای دید. باید اشکال موثر تماس با سازمان های بین المللی ذیربط را پیدا کرد و تلاش ورزید در روز ۱۰ دسامبر اذهان جهانیان بعد کافی متوجه پایمال شدن حقوق بشر در ایران شود.

از خارج نیز می توان به سعم خود در مبارزه داخل خاصه در بعد انشائی موثر بود. همه باید برای کسب خبر از داخل بسیج شویم تا بتوانیم مجموعه جنایات رژیم را هر چه مشخص تر بر ملا کنیم. باید با خانواده های زندانیان سیاسی در تماس بود و برای خانواده های داغدار پیام تسلیت و همبستگی فرستاد. در هر تماسی که با ایران می گیریم، باید به سعم خود بگوئیم اذهان همه آشنایان، دوستان و وابستگان را متوجه جنایات رژیم سازیم. باید اعلامیه هایی را که در رابطه با افشای قتل عام زندانیان سیاسی منتشر می شود، به شکل وسیع به ایران پست کنیم. در استفاده از این امکان قبل از آشنایان "سیاسی" باید ذهنمان متوجه طیف هر چه وسیعتری باشد.

دوستان! همزمان و هم میهنان زمان را دریابیم. دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستتان می آید، انجام دهید." هر روز ده ها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای افشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

بر روی فرش از خون، قرارداد می بندند

فاجعه بزرگ در زندان های ایران، با تحولات دیگری که بنوبه خود می آید، همزمان شد. خبرها از این قرار است: جمهوری اسلامی و بریتانیا برای از سرگیری روابط توافقی کردند. وزیر خارجه فرانسه بزودی به ایران خواهد رفت. هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال در راس یک هیات بزرگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تهران سفر کرد و ضمن گفتگو با خامنه ای، رفسنجانی، موسوی و ولایتی، چند قرارداد اقتصادی و فرهنگی را امضا کرد.

رفسنجانی بار دیگر به مذاکره با آمریکایا اظهار تمایل کرد. همه چیز حاکی از این است که بزرگترین قدرتهای جهان سرمایه داری، با هماهنگی کامل سیاست بسط هر چه بیشتر روابط با حکومت آخوندها را به اجرا گذاشته اند. تقدیر چنین خواست که در یک نقطه عطف مهم این روند نزدیکی، کشتار زندانیان سیاسی ایران به نحوی بی سابقه پرده تزویر آزادیخواهی دروغین قرب را کنار زنند.

می گویند کشتار برای سفر به ایران، این پیش شرط را گذاشته بود که جمهوری اسلامی در مورد گروگان های غربی در لبنان، آماده مذاکره باشد. آقای گنشر موفق شد. دل آخوندها به رحم آمد. لابد می خواهند به شرکای تازه از راه رسیده، هدیه کریسمس بدهند. صحنه های شادی از آزادی گروگان ها بر صحنه تلویزیون، با بیانیه هایی که در پایتخت های غربی منتشر خواهد شد، تکمیل میشود: "ما ضمن ابراز خوشحالی از آزادی گروگان ها، از دولت ایران که به دلایل انساندوستانه به این امر کمک کرد، تشکر می کنیم."

آری، خمینی، رفسنجانی و سایرین، آنجا که لازم باشد، دل رحم و رثوقند. مگر می شود روی دوستان آلمانی را زمین انداخت؟

در مقابل، آقای گنشر و همراهان، از خواهش دوستان ایرانی خود در مورد شرکت آلمان فدرال در "بازسازی"، باروی باز استقبال کردند. البته لازم آمد که وزیر خارجه دولت بن، در جلوی دوربین ها در تهران، ژست بسیار

AKSARIYAT
EXTRA
WED, 1 DEC, 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701, 650
DR. GERTRAUD ARTNER